

## تأثیر تنبیه بر عزت نفس دانش آموزان

احمد غضنفری<sup>۱</sup> - حمیدرضا ریاحی<sup>۲</sup>

### چکیده

در این پژوهش تلاش شده تا اثر تنبیه بر عزت نفس نوجوانان به تفکیک جنسیت (پسر و دختر) بررسی گردد. فرضیه اصلی تحقیق این بود که آیا تنبیه با عزت نفس رابطه دارد و آیا بین عزت نفس نوجوانان تنبیه شده با عزت نفس نوجوانان تنبیه نشده بدون در نظر گرفتن جنسیت تفاوت معناداری وجود دارد؟ به منظور آزمودن این فرضیه از بین کلیه دانش آموزان دوره راهنمایی شهرستان شهرضا با روش انتخاب تصادفی منظم، تعداد ۱۰۰ دانش آموز دختر و پسر کلاس سوم راهنمایی انتخاب شدند. اطلاعات مربوط از طریق پرسشنامه عزت نفس (کوپر اسمیت) و پرسشنامه تنبیه (ملک پور، ۱۳۷۶) جمع آوری گردید. داده‌های به دست آمده از پاسخ‌های داده شده به پرسشنامه‌ها به وسیله نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. پس از انجام تحلیل آماری مشخص گردید که بین تنبیه و عزت نفس رابطه معناداری در سطح ۰/۰۰۱ وجود دارد و این رابطه معکوس است، یعنی با افزایش تنبیه میزان عزت نفس

۱- استادیار روان‌شناسی دانشگاه امام حسین (ع)

۲- کارشناس ارشد روان‌شناسی و عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع)

کاهش می‌یابد و با کاهش تنبیه میزان عزت نفس بالا می‌رود و جنسیت در این رابطه دخیل نیست. یعنی بین جنسیت با تنبیه شدن و عزت نفس رابطه معناداری وجود ندارد.

کلید واژه‌ها: تنبیه، عزت نفس، سلامت روانی، جنسیت، بهداشت روانی و نوجوانان.

### مقدمه

داشتن عزت نفس سالم نیاز اساسی انسان است و ما پیوسته برای رسیدن به آن تلاش می‌کنیم. با این حال بعضی افراد به خود انگاره‌ای که بتوانند با آن احساس راحتی کنند نمی‌رسند. عزت نفس ضعیف موجب می‌شود که ما خود واقعی مان را با شرمندگی پنهان کنیم و مانع شکوفایی تواناییهایمان شویم. نداشتن عزت نفس کافی در نوجوانان به احساسات ناسالمی چون خشم، اضطراب و افسردگی منجر می‌شود. عزت نفس پایین روی جنبه‌های مختلف زندگی ما تأثیر منفی می‌گذارد و به ارتباطات ما با اطرافیان نیز لطمه وارد می‌کند. نوجوانانی که عزت نفس پایین دارند در صحبت و گفت‌وگو خود را کم‌جرات و بازدارنده می‌پندارند و در زمینه‌های اجتماعی عصبی، مضطرب و همیشه منتظر شکست هستند. این افراد بیشتر از افراد با عزت نفس بالا انتظار دارند از طرف دیگران ارزشیابی‌های منفی دریافت کنند. افرادی که از عزت نفس بالایی برخوردارند تا حدودی این احساس را دارند که با ارزش و مورد قبول اطرافیان خود هستند. این افراد با سایرین راحت هستند و قادرند که در موقعیت‌های اجتماعی به‌طور خودجوش عمل کنند و به راحتی در برابر عقاید گروه تسلیم نمی‌شوند. بنابراین بهترین سرمایه‌گذاری در زندگی کودکان و نوجوانان ارتقای عزت نفس است. راجرز (۱۳۷۸) معتقد است هر چه افراد خود را بیشتر بپذیرند احتمال بیشتری خواهد داشت که دیگران را نیز بپذیرند و برعکس هر چه نظرشان نسبت به خود نامطلوب‌تر باشد دیگران را نیز کمتر بپذیرند و خواهند بود. افرادی که عزت نفس ضعیفی دارند ممکن است به رفتارهای دفاعی و خود حمایتی دست بزنند و بیش از حد به واکنشهای دفاعی روانی تمایل داشته باشند و استفاده بلندمدت از این سازوکارها آنها را به روشی برای اجتناب از برخورد مستقیم با مسائل و موقعیتهای استرس‌آور یا اطلاعات جدید در مورد خودشان تبدیل می‌کند.

یکی از زیربنایی‌ترین و مهمترین عوامل مؤثر در سلامتی روان عزت نفس است که در بیشتر اختلالات روانی دستخوش تغییر و تزلزل می‌شود و از جمله مفاهیمی است که در دهه‌های اخیر مورد توجه بسیاری از روان‌شناسان و پژوهشگران قرار گرفته و به نظر می‌رسد پرداختن به این موضوع یک ضرورت مبنایی به‌منظور ارتقای سطح بهداشت روانی در جامعه است.

بسیاری از روان‌شناسان این نظریه را پذیرفته‌اند که انسان نیاز به عزت نفس دارد. آبراهام مازلو<sup>۱</sup> (۱۹۷۰، نقل از بیابانگرد، ۱۳۷۳) معتقد است همه افراد به ارزشیابی ثابت و استواری از خود، یا عزت نفس نیازمندند. کودکان به تدریج با رشد خودآگاهی، این شناخت برایشان حاصل می‌شود که آیا دختران و پسران خوبی هستند یا نه، و یاد می‌گیرند که اگر بد باشند خطر از دست دادن مراقبت و توجه والدین را به همراه دارد. فرنچ<sup>۲</sup> (۱۹۶۸) و وارگو<sup>۳</sup> (۱۹۷۲) از عزت نفس به‌عنوان سپری در مقابل اضطراب نام می‌برند (نقل از بیابانگرد، ۱۳۷۳).

کوپر اسمیت (۱۹۶۷) در تحقیقات خود به این نتیجه رسید که کودکانی که عزت نفس بالا دارند از احساس اعتماد به نفس برخوردارند، از استعداد و خلاقیت خود بهره‌گیری کرده به ابراز وجود می‌پردازند و به راحتی تحت تأثیر عوامل محیطی قرار نمی‌گیرند. در مطالعات هافمن و همکاران (۱۹۸۷)، یافته‌ها وجود ارتباط نزدیک و تأثیر متقابل بین منابع حمایت اجتماعی و عزت نفس را در نوجوانان تأیید می‌کند و رابطه نیرومندی را بین عزت نفس و پیشرفت تحصیلی گزارش می‌دهد.

عزت نفس متفاوت از خودپنداره است. خودپنداره عبارت است از مجموعه ویژگی‌هایی که فرد برای توصیف خود به کار می‌برد، ولی عزت نفس عبارت است از ارزشی که اطلاعات درون خودپنداره برای فرد دارد و از اعتقادات فرد در مورد تمام صفات و ویژگی‌هایی که در او هست، ناشی می‌شود. می‌توان شکل‌گیری عزت نفس را از طریق تفکر در مورد «خود ادراک شده» و «خود ایده‌آل» دانست. خود ادراک شده که همان خودپنداره است به معنی داشتن دیدگاه عینی درباره مهارت‌ها، صفات و

ویژگی‌هایی است که فرد واجد یا فاقد آنهاست. خود ایده‌آل عبارت است از تصویری که به صورت تمایل صادقانه برای داشتن نگرشها و اسناد خاص، هر فرد دوست دارد از خود داشته باشد. زمانی که خود ادراک شده و خود ایده‌آل با هم همتراز باشند، فرد از عزت نفس بالایی برخوردار خواهد بود پوپ<sup>۱</sup> و همکارانش (۱۹۸۹) معتقدند وجود شکاف و فاصله بین خود ادراک شده و خود ایده‌آل عاملی است که مشکلات مربوط به عزت نفس را به وجود می‌آورد (نقل از بیابانگرد، ۱۳۷۳).

هر انسانی براساس ملاکها و معیارهایی که در اختیار دارد همواره خود را مورد ارزیابی و قضاوت قرار می‌دهد و میزان کارآیی، موقعیت و ارزشمندی خویش را تعیین می‌کند. بدین ترتیب جایگاهی که به خود می‌دهد درجه عزت نفس او را مشخص می‌کند. فرایند ارزشیابی خود به عوامل متعددی مانند ملاکها و معیارها، ایده‌آل‌ها، فرایند قضاوت چگونگی ارزشگذاری و... ارتباط دارد. مفاهیمی از قبیل خود، ادراک هر فرد از خود (شکل‌گیری تصویر بدن در ذهن)، مفهوم هر فرد از خود (رشد‌گرایش عاطفی و ارزش نسبت به بدن و روان خود)، ارزشیابی خود در شکل‌گیری عزت نفس مهم است.

عوامل زیر در شکل‌گیری هر فرد از خود مؤثر است:

۱- چگونگی پاسخ به نیازهای کودک: والدینی که در تشخیص و پاسخ به موقع و متعادل به رفتارهای کودک ناتوان هستند، به عنوان افرادی غیرقابل اعتماد در ذهن کودک جای می‌گیرند و نقش یک الگوی ناسالم را در رشد ابعاد فکری، عاطفی و رفتاری او ایفا می‌کنند.

۲- برخورد مناسب با رفتارهای کودک و نوجوان: والدین با رفتارهای نامناسب همواره به شکلی برخورد کنند که حس پذیرش را در ذهن کودک جای دهند و کودک بتواند بدون ترس با مطرح کردن مسائل با والدین، برای حل مشکل خود از آنها کمک بگیرد و رفتارهای خوب و مناسب را متناسب با زمان و مکان و شرایط بروز رفتار، مورد تأیید قرار دهند نه اینکه با توصیفات مطلق و افراطی و مقایسه‌ای در او صفات ناسالم ایجاد کنند.

۳- عزت نفس والدین: والدینی که عزت نفس پایینی دارند و خود را با ارزش، توانمند و مثبت ارزیابی نمی‌کنند و همواره احساس حقارت و ناتوانی می‌کنند، اغلب نمی‌توانند عزت نفس فرزندان خود را رشد دهند.

۴- عقاید، افکار و باورها: عناصر مهمی که در ساختار و رشد عزت نفس دخالت دارند، عقاید و باورها هستند. اینکه مکتب اعتقادی فرد چه تعریفی از انسان دارد و جایگاه ارزشی او در آن مکتب چگونه است در شکل‌گیری مفهوم از خود تأثیر فراوانی خواهد داشت. سلامت عزت نفس دارای نقش دوگانه است، یعنی هم به عنوان محصول و هم به عنوان عامل مهم در رشد سلامتی عمل می‌نماید و انسان را در حل مشکلات اجتناب‌ناپذیر زندگی، توانا می‌سازد.

یکی از عواملی که در شکل‌گیری مفهوم از خود کودک و نوجوان تأثیر نامطلوب می‌گذارد و به ارزشیابی از خود خدشه وارد می‌کند و در نهایت سلامت عزت نفس را مورد تهدید قرار می‌دهد تنبیه است.

تنبیه را معمولاً به دو نوع کلامی و فیزیکی تقسیم می‌کنند. تنبیه کلامی به صورت انتقاد، اخطار، توبیخ، تهدید و تمسخر انجام می‌پذیرد. معمولاً این اظهارات به منظور کاهش و از بین بردن رفتار یا رفتارهای نامناسب به کار می‌رود، ولی باید توجه داشت که نحوه تنبیه کلامی اثر آنرا تحت تأثیر قرار می‌دهد. توبیخ کلامی از توبیخ بسیار ملایم و به صورت یک تذکر پس از بروز رفتار نامناسب، تا توبیخ بسیار شدید مانند توهین، سرزنش و تحقیر و... در نوسان است.

نتایج بسیاری از مطالعات در این مورد نشان می‌دهد که توبیخ کلامی ملایم اثر سودمندی نسبت به توبیخ کلامی بسیار شدید دارد و توصیه شده است که توبیخ کلامی تا حد امکان در خصوص دیگران صورت نگیرد، زیرا هدف تنبیه از میان بردن رفتارهای منفی و در نتیجه بالندگی هر چه بیشتر شخصیت کودک است، به همین علت حضور نداشتن دیگران در هنگام تنبیه باعث حفظ آبروی کودک شده و این امر موجب بالندگی شخصیت او می‌شود (ملک‌پور، ۱۳۷۶). اگر تنبیه در حضور دیگران انجام شود در این صورت کودک و نوجوان در برابر دیگران احساس شرمندگی می‌کند و در مورد ارزشمندی فردی و اجتماعی خود و اینکه نظر دیگران، همسالان و بزرگسالان بعداً نسبت به او چه خواهد بود دچار شک و تشویش می‌شود. این مسأله به خصوص در

سنین بلوغ و نوجوانی یعنی زمانی که فرد نیاز به تأیید و پذیرش از طرف همسالان را دارد باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد (شهرآرای، ۱۳۶۸).

در یک بررسی که رضازاده و دیگران (۱۳۷۱) روی دانش‌آموزان مقطع راهنمایی انجام داده‌اند، فقط ۱۶ درصد پسران و ۳۶ درصد دختران نمونه تحقیق تاکنون تنبیه نشده‌اند (نقل از دانش‌پژوه، ۱۳۷۵). داده‌های این تحقیق نشان می‌دهد که میان تنبیه بدنی و پرخاشگری در پسران رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. همچنین میان تنبیه بدنی و افسردگی در دختران رابطه مستقیم و معناداری به دست آمده است.

نتایج حاصل از تحقیقی در مورد دانش‌آموزان سیاهپوست و سیاست‌های انضباطی مناسب، برای جلوگیری از فراگیر شدن گرایشهای بزهکاری و تخلفات خشونت‌بار آنها کارآیی تنبیه و تشویق را که در گذشته خانواده و مدرسه اعمال می‌کردند و بیشتر برای ارباب آنها بوده تا حفظ اعتماد به نفس، مردود دانسته است.

برای آنکه تنبیه در اصلاح رفتار نامطلوب کارآیی مناسب داشته و در ضمن آثار منفی و ناخواسته نداشته باشد، اکثر کارشناسان تعلیم و تربیت محروم کردن فرد از عامل مثبت را بیش از به کار بردن عامل منفی توصیه می‌کنند.

پیازه در مورد تنبیه بر این باور است که پاره‌ای از مجازات‌ها و تنبیه‌ها ارزش تنبیه را تنزل می‌دهند. وی پیشنهاد می‌کند به جای مجازات و تنبیه می‌توان به قضاوت اخلاقی کودک اعتماد کرد و این خود بیش از هر اجبار یا انضباط خارجی، گسترش و تحول شخصیت اخلاقی را مساعد می‌سازد.

بسیاری از دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت و روان‌شناسی لزوم اعمال تنبیه صحیح با هدف بیدار کردن و آگاه نمودن را نفی نمی‌کنند. یکی از مهمترین خصوصیات که در رابطه با کارآیی تنبیه قابل توجه دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت می‌باشد این است که آیا تنبیه با منطق و استدلال همراه می‌شود یا خیر؟

برای اینکه تنبیه در خاموش کردن رفتار نامطلوب و جایگزین کردن آن با رفتار مطلوب مؤثر واقع شود باید به جنبه ارشادی - اخلاقی آن توجه خاص نمود، زیرا این جنبه به رشد اخلاقی و احساس مسؤلیت فرد تنبیه شده کمک می‌کند (شهرآرای، ۱۳۶۸). استفاده از تنبیه مانند تحقیر، سرزنش و سرکوب و... عواقب ناگواری را برای کودکان و نوجوانان به همراه خواهد داشت. تنبیه جسمانی یا تهدید شدن به آن می‌تواند

عزت نفس را به شدت تحت تأثیر قرار دهد. اگر یک فرد مهم در زندگی کودک به طور مرتب واژه‌های منفی و آسیب‌رسان برای او به کار برسد، محتوای این واژه‌ها مورد قبول و باور کودک قرار خواهد گرفت و ناخواسته بر عزت نفس تأثیر نامناسب خواهد گذاشت. با توجه به اهمیت موضوع و احتمال تأثیرپذیری عزت نفس از تنبیه، مؤثرترین راه کمک به نوجوانان برای آموزش بهتر، برقراری روابط سودمندتر، استفاده بهتر از فرصتها و پدید آوردن دیدگاههای روشن‌تر نسبت به مسیر زندگی خود و ورود به دنیای بزرگسالی با بنیادی استوارتر، حفظ و افزایش عزت نفس در آنان است، در این تحقیق سعی شده اثر تنبیه بر کاهش عزت نفس در نوجوانان مورد بررسی قرار گیرد.

تحقیق حاضر در پی آن است که به این سؤال پاسخ دهد که آیا میزان عزت نفس در دانش‌آموزانی که تنبیه می‌شوند با دانش‌آموزانی که تنبیه نمی‌شوند تفاوت معناداری دارد؟ همچنین دانش‌آموزان دختر و پسر در تأثیرپذیری عزت نفس از تنبیه مورد مقایسه قرار گرفته‌اند.

### فرضیه‌های پژوهش

- ۱- آیا بین عزت نفس با تنبیه رابطه وجود دارد.
- ۲- آیا بین تنبیه و جنسیت رابطه وجود دارد.
- ۳- آیا بین عزت نفس با جنسیت رابطه وجود دارد.
- ۴- آیا بین عزت نفس دانش‌آموزان دختر و پسر تنبیه شده با عزت نفس دانش‌آموزان دختر و پسر تنبیه نشده تفاوت وجود دارد.

### روش تحقیق

جامعه آماری در این تحقیق کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع سوم راهنمایی است که در سال تحصیلی ۸۲ - ۸۱ در مدارس راهنمایی روزانه شهرستان شهرضا به تحصیل اشتغال داشته‌اند. تعداد مدارس راهنمایی دختر و پسر ۳۳ مدرسه است که تعداد ۶۳۵۴ دانش‌آموز در آن به تحصیل اشتغال داشته‌اند. از میان ۱۷ مدرسه پسرانه یک مدرسه و از میان ۱۶ مدرسه دخترانه نیز یک مدرسه به طور تصادفی ساده انتخاب

گردید. سپس از هر مدرسه ۵۰ نفر از کلاس سوم به طور تصادفی منظم انتخاب شدند. سپس پرسشنامه عزت نفس و تنبیه به صورت گروهی بر روی آنها اجرا گردید. در این پژوهش از دو ابزار زیر استفاده شده است:

۱- پرسشنامه عزت نفس کوپر اسمیت (۱۹۶۷): این پرسشنامه شامل ۵۸ ماده است که ۸ ماده آن شامل سؤالهای ۶، ۱۳، ۲۰، ۲۷، ۳۴، ۴۱، ۴۸ و ۵۵ دروغ سنج است و ۵۰ ماده دیگر به چهار خرده مقیاس عزت نفس کلی، عزت نفس اجتماعی (همسالان)، عزت نفس خانوادگی (والدین) و عزت نفس تحصیلی (آموزشگاه) تقسیم شده است. دامنه پاسخهای آزمودنی به صورت بله و خیر است که هر فرد متناسب با وضعیت خود یکی از گزینه‌ها را انتخاب می‌کند. شیوه نمره‌گذاری این آزمون صفر و یک است. به این معنا که در ماده‌های شماره ۲، ۴، ۵، ۱۰، ۱۱، ۱۴، ۱۸، ۱۹، ۲۱، ۲۳، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۲، ۳۶، ۴۵، ۴۷ و ۵۷ به هر پاسخ بله یک نمره و به هر پاسخ خیر صفر تعلق می‌گیرد و در بقیه سؤالات به طور معکوس عمل می‌شود، یعنی به هر پاسخ خیر یک نمره و به هر پاسخ بله صفر داده می‌شود. بدیهی است حداقل و حداکثر نمره فرد در این پرسشنامه صفر و ۵۰ خواهد بود. چنانچه پاسخ‌دهنده از ۸ ماده دروغ‌سنجش به بیش از ۴ مورد پاسخ دهد اعتبار آزمون پایین است و آزمودنی سعی کرده است خود را بهتر از آن چیزی که هست جلوه دهد. با توجه به مجموع نمرات، سطح عزت نفس هر فرد تعیین می‌شود. به عبارت دیگر هرچه نمره فرد بیشتر باشد دارای عزت نفس بالاتری است و هر چه نمره فرد پایین‌تر باشد به همان میزان عزت نفس پایین‌تر است. در تحقیقی که در سال ۱۳۷۰ بر روی ۲۳۰ نفر از دانش‌آموزان سال سوم دبیرستانهای شهر تهران انجام گرفت، میانگین این آزمون برای آنها ۲۵/۴ به دست آمده است، یعنی بالاتر از این میانگین عزت نفس بالا و پایین‌تر از آن عزت نفس پایین را نشان می‌دهد (بیابانگرد، ۱۳۷۰).

۲- پرسشنامه تنبیه: این پرسشنامه را ملک‌پور (۱۳۷۶) براساس تجربیات خود در زمینه روشهای تنبیه و آثار تنبیه‌های مکرر شدید تهیه کرده است. این پرسشنامه شامل ۲۵ سؤال و هر سؤال دارای سه گزینه هرگز، به ندرت و معمولاً است که به گزینه «هرگز» نمره صفر، به گزینه «به ندرت» نمره یک و به گزینه «معمولاً» نمره دو تعلق می‌گیرد و با توجه به میزان نمرات، میزان تنبیه شدن افراد سنجیده می‌شود. براساس میانگین نمره



## تأثیر تنبیه بر عزت نفس دانش‌آموزان / ۹

تنبیه (۱۳/۷) نمره ۱۴ به عنوان نقطه برش تعیین گردید و افراد دارای نمره زیر ۱۴ به عنوان تنبیه نشده و افراد دارای نمره ۱۴ و بالاتر به عنوان تنبیه شده مشخص شدند. ضریب پایایی این پرسشنامه را محقق ۰/۶۸ گزارش داده است.

برای تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از طریق پرسشنامه‌ها از روش‌های توصیفی و برای آزمون فرضیه‌ها آزمون استودنت و مجذور خی و ضریب همبستگی پیرسون مورد استفاده قرار گرفتند.

### یافته‌های پژوهش

میانگین و انحراف معیار اندازه‌های مربوط به متغیرهای مورد مطالعه به تفکیک دو گروه از دانش‌آموزان (دختر و پسر) در جدول ۱ منعکس شده است.

جدول ۱- میانگین و انحراف معیار متغیرهای عزت نفس و تنبیه در دو گروه پسران و دختران

متغیرها	دختران		پسران		کل دانش‌آموزان	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
عزت نفس	۲۸/۹۰	۸/۰۰	۳۰/۵۲	۵/۷۶	۲۹/۷۱	۶/۹۸
تنبیه	۱۲/۱۸	۱۰/۳۵	۱۵/۲۰	۷/۵۱	۱۳/۶۹	۹/۱۲
تعداد	۵۰		۵۰		۱۰۰	

جدول ۱ نشان می‌دهد که میانگین عزت نفس پسران کمی بالاتر از میانگین عزت نفس دختران است و میانگین نمره تنبیه پسران بیشتر از میانگین نمره تنبیه دختران است. اما این تفاوتها معنادار نیستند.

به منظور آزمون فرضیه اول تحقیق مبنی بر اینکه «آیا بین تنبیه و عزت نفس رابطه معناداری وجود دارد» از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که مقادیر به دست آمده در جدول ۲ ذکر شده است.

جدول ۲- ضریب همبستگی بین تنبیه و عزت نفس ( $N = 100$ )

متغیرها	تنبیه
عزت نفس	$-0/574^{**}$

\* همبستگی در سطح  $P < 0/0001$  معنادار است.

جدول ۲ نشان می‌دهد که بین تنبیه و عزت نفس رابطه معناداری وجود دارد. به منظور آزمون فرضیه دوم تحقیق مبنی بر اینکه «آیا بین جنسیت و تنبیه شدن یا نشدن رابطه وجود دارد» از مجذور کا استفاده شد که مقادیر به دست آمده در جدولهای ۳ و ۴ ذکر شده است.

جدول ۳- جدول توافق رابطه جنسیت و تنبیه

متغیرها	دختر	پسر	جمع
تنبیه نشده	۳۰	۲۳	۵۳
تنبیه شده	۲۰	۲۷	۴۷
کل	۵۰	۵۰	۱۰۰

جدول ۴- رابطه تنبیه با جنسیت ( $N = 100$ )

شاخص آماری	مقدار به دست آمده	درجه آزادی	سطح معناداری
$\chi^2$	۱/۹۶۷	۱	۰/۱۶۱

جدول ۴ نشان می‌دهد بین جنسیت و تنبیه شدن یا نشدن رابطه معنادار وجود ندارد. به منظور آزمون فرضیه سوم تحقیق مبنی بر اینکه «جنسیت با عزت نفس رابطه دارد» از مجذور کا استفاده شد که مقادیر به دست آمده در جدول ۵ ذکر شده است.

جدول ۵- رابطه جنسیت با عزت نفس ( $N = 100$ )

شاخص آماری	مقدار به دست آمده	درجه آزادی	سطح معناداری
$X^2$	۳۴/۶۰۰	۲۸	۰/۱۸۲

جدول ۵ نشان می‌دهد بین جنسیت با عزت نفس رابطه معنادار وجود ندارد. به منظور آزمون فرضیه چهارم تحقیق مبنی بر اینکه «عزت نفس دختران و پسران تنبیه شده با عزت نفس دختران و پسران تنبیه نشده تفاوت دارد»، از آزمون  $t$  استودنت استفاده شد که مقادیر به دست آمده در جدول ۶ و ۷ ذکر شده است.

جدول ۶- آماره‌های عزت نفس گروهها

گروهها	تعداد	میانگین	انحراف معیار
تنبیه شده	۵۳	۳۳/۱۷	۶/۱۱
تنبیه نشده	۴۷	۲۵/۸۱	۵/۷۸

جدول ۶ نشان می‌دهد که میانگین عزت نفس آزمودنیهای تنبیه نشده از میانگین عزت نفس آزمودنیهای تنبیه شده بالاتر است.

جدول ۷- آماره‌های آزمون  $t$

Sig	df	t	واریانس برابر
۰/۰۰۰۱	۹۸	۶/۱۶	واریانس برابر
۰/۰۰۰۱	۹۷/۵۶	۶/۱۸	واریانس نابرابر

جدول ۷ نشان می‌دهد که عزت نفس دختران و پسران تنبیه شده با عزت نفس دختران و پسران تنبیه نشده به طور معناداری تفاوت دارد.

### بحث و نتیجه‌گیری

از هنگامی که کودکان درکی از خود پیدا می‌کنند و هویت خود را می‌یابند، برای خصوصیات خود ارزش منفی یا مثبت قایل می‌شوند. مجموعه ارزیابی‌هایی که کودک از خود به عمل می‌آورد، عزت نفس او را تشکیل می‌دهد. در حقیقت عزت نفس به ارزیابی‌های شخص از خصوصیات خود اطلاق می‌شود. نوجوانان خود را در حوزه‌های متفاوت به نحو متفاوتی درجه‌بندی می‌کنند.

ارزیابی‌های آنان از مهارت‌های جسمانی‌شان با رده‌بندی مهارت‌های اجتماعی تفاوت دارد و حس کلی آنان درباره ارزش خود لزوماً به این‌که در مورد مهارت‌های شناختی تا چه اندازه احساس خشنودی می‌کنند، بستگی ندارد. در ۹ تا ۱۰ سالگی کودکان در مورد ارزش و توانایی‌های خود در زمینه‌های مختلف حس مشخصی دارند و تا سن ۱۰ تا ۱۲ سالگی این حس در آنان ثابت می‌ماند (ماسن، ۱۳۷۰).

تلقی کودک از خود به‌نحو مؤثری تحت تأثیر چگونگی برخورد و ارتباط اطرافیان با خصوصیات و توانایی‌ها و ناتوانی‌های او و نحوه ارزش‌گذاری این خصوصیات قرار می‌گیرد. تنبیه از عوامل مهمی است که می‌تواند در کاهش عزت نفس مؤثر باشد، زیرا تنبیه در کودکان و نوجوانان ارزش‌گذاری آنان را از خصوصیات خود تحت تأثیر قرار می‌دهد. همان‌گونه که نتایج این تحقیق نشان داد بین تنبیه و عزت نفس رابطه معناداری وجود دارد. بدین معنی که میزان عزت نفس نوجوانانی که تنبیه می‌شوند، در مقایسه با نوجوانانی که تنبیه نمی‌شوند به‌صورت معناداری کاهش می‌یابد. یافته‌های تحقیقات قبلی (الدر، ۱۹۸۰ و لوئین، ۱۹۸۲) نشان می‌دهد نوجوانانی که والدین تنبیه‌کننده دارند کمتر به خود متکی هستند و نمی‌توانند به تنهایی کاری انجام دهند یا از خود عقیده‌ای داشته باشند و هیچ‌کس آن‌قدر برای عقاید آنان ارزش قایل نبوده که به آنان توجه کند و همچنین مطالعه دیگری که (هلفر و کمپ، ۱۹۸۲) انجام داده‌اند نشان می‌دهد، نوجوانانی که قربانی بد رفتاری جسمانی هستند مشخصاً در اعتماد کردن به دیگران و ایجاد رابطه عاطفی پایدار مشکل دارند. این یافته‌ها مطالعه کنونی را تأیید می‌کند و نشان می‌دهد تنبیه با عزت نفس رابطه منفی معنادار دارد.

همچنین نتایج این تحقیق بین تأثیرپذیری عزت نفس از تنبیه در دو جنس دختر و پسر تفاوتی نشان نداد. یعنی عزت نفس هم در دختران و هم در پسران بر اثر تنبیه کاهش

می‌یابد و جنسیت تأثیری بر رابطه تنبیه و عزت نفس ندارد. علاوه بر این، نتایج نشان داد که میانگین تنبیه پسران از دختران کمی بالاتر است، اما این تفاوت معنادار نیست و علت این تفاوت را می‌توان به متغیرهای مداخله‌گری مانند شیوه‌های فرزندپروری، شیوه تنبیه، آماده ساختن کودک برای تنبیه، پذیرش تنبیه از سوی کودک، تناسب تنبیه با رفتار تنبیه شده، تنبیه فردی یا جمعی، تنبیه‌های خبری مبهم یا دیرآیند، بالاتر بودن میزان مقبولیت اجتماعی در دختران هنگام پاسخ دادن به سؤالات پرسشنامه تنبیه و غیره نسبت داد.

توصیه این تحقیق به والدین و مربیان این است که اگر چه تنبیه می‌تواند در کاهش رفتارهای نامطلوب اثر مثبت داشته باشد، ولی از آنجا که تنبیه می‌تواند موجب کاهش عزت نفس شود و کاهش عزت نفس مانع بروز خلاقیت‌ها و شکوفایی تواناییهای افراد می‌شود، برای کاهش رفتارهای نامناسب در کودکان و نوجوانان از جایگزین‌های دیگری مانند به‌کارگیری انواع برنامه‌های تقویت و... استفاده نمایند.

## منابع

اسداللهی، قربانعلی و غفور موسوی. (۱۳۷۶)، عزت نفس و سلامت روان، اصفهان، نشر ارکان. بیابانگرد، اسماعیل. (۱۳۷۳)، روشهای افزایش عزت نفس در کودکان و نوجوانان، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان.

بیابانگرد، اسماعیل. (۱۳۷۱)، «بررسی رابطه بین مفاهیم منبع کنترل، عزت نفس و پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان سال سوم دبیرستانهای شهر تهران»، فصلنامه تعلیم و تربیت، سال هشتم، شماره ۲.

براندن، ناتانیل. روان‌شناسی عزت نفس، ترجمه مهدی گنجی (۱۳۷۸)، تهران، نشر ویرایش. دانش‌پژوه، زهرا. (۱۳۷۵)، «تشویق و تنبیه از دیدگاه متخصصان و نظریه پردازان»، فصلنامه تعلیم و تربیت، سال دوازدهم، شماره ۱.

شهرآرای، مهرناز. (۱۳۶۸)، «اثر تشویق و تنبیه»، فصلنامه تعلیم و تربیت، سال پنجم، شماره ۴. کلمز، هریس و همکاران. روشهای تقویت عزت نفس در نوجوانان، ترجمه پروین علیپور، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی. (۱۳۷۳)

- ملک‌پور، مختار. (۱۳۷۶)، «رابطه تنبیه و خودابرازی در کودکان و نوجوانان»، فصلنامهٔ تعلیم و تربیت، سال سیزدهم، شمارهٔ ۲.
- هرگنجان، بی.آر. و السون، میتو اچ. مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری، ترجمهٔ علی‌اکبر سیف، (۱۳۷۶)، تهران، نشر دوران.
- ماسن، پاول هنری و همکاران. رشد و شخصیت کودک، ترجمهٔ مهشید یاسایی، (۱۳۷۰)، تهران، انتشارات نشر مرکز.

BEAN, R. & CLEMES, H. (1980), *How to raise children's self-Esteem*. Enrich.

BEAN, R. and CLEMES, H. (1980), *How to Discipline Without feeling Guilty*. Enrich.

COOPER SMITH, (1970), *The Antecedents of self-Esteem*, W.H. Freeman,

ELDER, G.H. (1980), *Family structure and socialization*, New York: Arno press.

HELPER, R.E & KEMPE, C.H. (1982), *Child abuse and neglect: The family and the community*, Combridge, Mass: Ballinger.

HOFFMAN, U & LEVY, S. (1988), *Social support and self-esteem*, Journal of Youth and Adolescence, Vol 17 No 4.

LAVINE, L.O. (1982), *Parental powers a potential influence on girls career choice*. Child Development.

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

وصول: ۸۳/۲/۱۳

پذیرش: ۸۳/۶/۲۸